

پسرهایی که مرد نمی‌شوند

کارشناسی می‌گفت 87 درصد پسرهای جوان، این روزها تمایلی به ازدواج ندارند. این بی‌میلی‌ها معمولا دلایل مشابهی دارند.



سلامت نیوز: کارشناسی می‌گفت 87 درصد پسرهای جوان، این روزها تمایلی به ازدواج ندارند. این بی‌میلی‌ها معمولا دلایل مشابهی دارند. آنها مشکل مالی دارند، توان اداره زندگی با حقوق ناچیز جوانان عملی نیست، خانواده دختر مراسم عروسی پرزرق و برقی می‌خواهد که نیازمند پس انداز چند ده میلیونی است و... اما در پس تمام این علت‌ها که کم موجه نیست، برخی علت‌ها ریشه در شخصیت برخی جوانان دارند، ریشه در شیوه‌های تربیتی آنها، رفتار خانواده با آنان و ایجاد تعهد و مسئولیت‌پذیری در آنها که ضعف در هرکدام، جوانان را وامی دارد تا از ازدواج شانه خالی کنند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از چهاردیواری؛ #171؛ صبح او را از خواب بیدار می‌کند، تا وقتی وارد اتاقش نشود، در رختخواب می‌ماند، طوری صدایش می‌زند که انگار نه انگار 25 سال از دوران کودکی‌اش گذشته، اگر کسی پشت در اتاق باشد تصور می‌کند در رختخواب کودک هشت ساله‌ای خوابیده که باید برای مدرسه بیدار شود، #171؛ پسررررررم... عزیز دل مامان... بیدار شوووو؛ پسر که با بی‌میلی بیدار می‌شود و می‌ایستد، قدش یک سروگردن از مادر بلندتر است، تلوتلوخوران مثل هر روز از اتاق بیرون می‌رود... مادر اتاق را مرتب می‌کند و برای ریختن چای به آشپزخانه می‌رود... تا همین‌جا کافی نیست، مادر لقمه می‌گیرد، لباس‌هایش را آماده می‌کند و تا دم در او را همراهی می‌کند تا پسر از خانه بیرون برود...؛

این شوهران، مادر می‌خواهند نه همسر

وابستگی در علم روان‌شناسی واژه بدی نیست، زیرا همه به هم وابسته هستند؛ مادر به فرزند، زن و شوهر و گاهی دو دوست به هم وابسته‌اند، اما زمانی که این وابستگی به جایی می‌رسد که افراد نیاز دارند فرد دیگری را بشدت به خود وابسته نگه دارند و به مرور این موضوع دوجانبه می‌شود، وابستگی، یک اختلال شخصیتی خواهد بود. وقتی که این آقا یا خانم وابسته می‌خواهند تشکیل خانواده دهند موضوع وخیم‌تر می‌شود. هر چند وابستگی شکل‌های مختلفی دارد، اما وابستگی مادر و فرزند و بویژه وابستگی مادر و فرزند پسر از جمله وابستگی‌هایی است که این روزها به عنوان یکی از عوامل ترس پسرها از ازدواج و گردن نهادن به تعهد زندگی مشترک، شکل جدیدی به خود گرفته است.

روان‌شناسی می‌گفت: #171؛ حساسیت این مساله پس از ازدواج به حدی است که به عقیده من بهتر است در همان محضر یک تست شخصیت وابستگی از افراد به خصوص آقایان گرفته شود تا اگر مشخص شد این اختلال در فرد وجود دارد از ازدواج جلوگیری شود. با این روش مقدار قابل توجهی از آمار طلاق پایین می‌آید. این موضوع تا حدی ریشه‌ای است.

متاسفانه در جوامعی که به فرزند دختر بها نمی‌دهند، این دختران بدون اعتماد به نفس رشد می‌کنند و پس از ازدواج نیز با همین کمبودهای شخصیتی و عزت نفس و باور این‌که خانم‌ها در جامعه نقش پررنگی ندارند، وارد کانون خانواده شده و زمانی که باردار می‌شوند، آرزو می‌کنند فرزند پسر به دنیا بیاورند تا تمام کمبودهای وجودی خود را با به دنیا آوردن یک نوزاد پسر جبران کنند و از طرفی در جامعه ما به محض به دنیا آمدن نوزاد پسر، مادر مورد لطف و تحسین واقع می‌شود.

مادری که زخم‌ها و کمبودهایش با به دنیا آمدن یک فرزند پسر التیام پیدا کرده و تمامیت خود را در داشتن پسری می‌بیند ناخودآگاه دوست دارد فرزندش را همیشه در کنار خود داشته باشد و زمانی که فرزند بزرگ می‌شود و به سن ازدواج می‌رسد، این موضوع ادامه پیدا می‌کند.

ازدواج پسر! چیزی شبیه فاجعه

وابستگی پسران که معمولاً به تاخیر در ازدواج آنها منجر می‌شود، شق دیگری هم دارد و آن مادری است که از این وابستگی دوسویه متضرر می‌شوند. ملیحه سه تا دختر و یک پسر دارد. به پسر بزرگش بسیار وابسته است به طوری که ازدواج او را کابوس خود می‌داند، او همسرش را 9 سال قبل از دست داده و از آن زمان تکیه او به پسر بزرگش بیشتر شده است.

آمنه زن میانسال دیگری است که خلاً عاطفی ناشی از همسر را در دو پسر نوجوانش جستجو می‌کند، یکی از پسرانش با دختری دوست شد که به گفته خودش او نمی‌تواند حضور هیچ زنی را در زندگی پسرانش تحمل کند.

این حس را بسیاری از مادران دارند، اما خودشان از وجودش آگاه نیستند، به طور غیرمستقیم بین فرزند دختر و پسرشان فرق می‌گذارند و به تصور آنها پسر نیاز به دلسوزی بیشتری دارد.

مینو چهل‌ونه ساله که پسرش تازه نامزد کرده، باور نمی‌کند که به فرزندش وابسته باشد، اما آنچه می‌گوید از اختلال در شخصیت پسر و دخالت‌های او در تشدید این اختلال حکایت می‌کند. او تعریف می‌کند: #171؛پسرم از کودکی ناراحتی کلیه داشت به همین دلیل به مراقبت‌های زیادی نیازمند بود، به همین دلیل خیلی به او توجه کردم، او به من وابسته است، اما من تلاش کردم او را مستقل تربیت کنم.؛

مینو می‌گوید: #171؛پسرم کسب و کاری دارد و روی پای خودش می‌ایستد، هر روز نزدیک ظهر برایش غذای تازه به مغازه‌اش می‌برم، می‌مانم تا ناهارش را بخورد و بعد برمی‌گردم، هر شب من جوراب‌هایش را می‌شورم، چون او خسته است. دلم برایش می‌سوزد، بتازگی دختری برایش نامزد کرده‌ایم که به او گفته‌ام باید هوای پسرم را داشته باشد...؛متخصصان تعلیم و تربیت به والدین توصیه می‌کنند تا انتظار نقش مادری یا پدری از همسر فرزندان‌شان نداشته باشند، چرا که روابط زناشویی را خدشه دار می‌کند. آنها معتقدند، اختلال وابستگی مادر و پسر ریشه در دنیای کودکی دارد، مادری که در بیشتر موارد، میانه خوبی با همسرانشان ندارند یا در سن پایین ازدواج کرده و صاحب فرزند شده‌اند، شوهرشان فوت کرده‌اند و... بیشتر در معرض وابستگی هستند. در این صورت خلأهای عشقی، عاطفی و تکیه‌گاهی خود را در وجود پسر می‌یابند، بنابراین اگر قرار است، تغییری در رفتار این پسران ایجاد شود، باید از دوران تربیت خردسالی و به طور ریشه‌ای اقدام کرد.

وابستگی خطرناک

نگاهش به اطراف می‌چرخد، دنبال مادرش می‌گردد، هر روز وقتی زنگ آخر مدرسه می‌خورد، زودتر از همه به سمت در خروجی می‌دود، تا اولین فردی باشد که مادرش را می‌بیند، مادرش همیشه، پیشاپیش همه والدین برای استقبال از او ایستاده و آغوشش برای او باز است... سال‌های بالاتر وقتی به دبیرستان می‌رسد، همین تصویر در مقابل در ورودی خانه تکرار می‌شود، هر روز مادر چشم انتظار پسری است که از دبیرستان می‌آید.

وابستگی این مادر و پسر از نظر خیلی مثل معلمان این پسر نگران‌کننده است و می‌تواند برای آینده او خطرناک باشد، چون همسن و سالانش او را بچه‌ننه صدا می‌زنند. وابستگی متقابل میان این نوجوان و مادرش بتدریج او را از پذیرش مسئولیت‌های بزرگ و می‌دارد.

من زن نمی‌خوام

دوران شیرین وابستگی میان پسرها و مادرها زمانی به اوج می‌رسد که قرار باشد، عضو سومی میان این دو فاصله بیندازد یعنی پسر بخواهد ازدواج کند. از آنجا که این اختلال شخصیتی بسادگی قابل تعریف و شناسایی نیست، خیلی‌ها نمی‌دانند فرزندشان به آن دچار است و حمایت‌های بی‌رویه خود را نشانه مهر مادری می‌دانند. ق. کیانی، مشاور یک خوابگاه دانشجویی معتقد است یکی از دلایلی که مادرها دوست دارند فرزند پسر را به خود وابسته نگه دارند، مسائل مالی است. در برخی خانواده‌ها که شغل پدر خانواده آزاد بوده و حقوق کارمندی ثابتی وجود ندارد، مادر خانواده برای تامین معاش خود در آینده و پس از مرگ و از کارافتادگی همسر ناچار است، فرزند پسر را به خود وابسته نگه دارد تا منبع درآمد خود را از دست ندهد، بنابراین تمام سعی خود را می‌کند که هر روز پیش از روز قبل، فرزند را وابسته کند.

کیانی از جوانانی می‌گوید که در سال اول وارد خوابگاه دانشجویی می‌شوند و تا ماه‌ها نمی‌توانند خودشان را با شرایط جدید سازگار کنند، آنها شب‌ها را نمی‌خوابند، تا صبح گریه می‌کنند، کم غذا می‌خورند، در کلاس درس تمرکز ندارند و چه بسا از تحصیل انصراف می‌دهند در حالی که این عمل از یک جوان پسر بیست ساله بعید است. او ریشه این‌گونه رفتارهای ناخودآگاه را در کودکی و در نتیجه تربیت نادرست از سوی مادران می‌داند.

به عقیده این مشاور، بارها این جوانان در دانشگاه به دختری علاقه مند می‌شوند، اما بروز نمی‌دهند؛ چون به نظر مادرانشان نیازمندند، آنها حتی معیارهای انتخاب همسر را با معیارهای مادرانشان می‌سنجند. این پسرها گاهی اوقات ساعت‌ها تلفنی با مادرشان صحبت می‌کنند و گزارش هر روز را به او می‌دهند و اتفاق روزانه را با جزئیات بیان می‌کنند.

171#؛ احمد رضا.ع از جمله جوانانی است که در دانشگاه آزاد دوره کارشناسی را می‌گذرانند، او نمونه یک جوان وابسته به مادر است، چون به خاطر او حاضر شده تا از درس خواندن در دانشگاه دولتی شهرستان صرف‌نظر کند و در شهرش بماند تا از مادر دور نشود. او می‌گوید: 171#؛ من اصلاً زن نمی‌خوام، نمی‌تونم چند روز مادرم رو نبینم یا زن دیگری را تحمل کنم.؛

کیانی، چشم‌اندازی از زندگی این‌گونه پسرهای جوان ارائه می‌کند و می‌گوید: مادری که تمامیت خود را در وجود فرزند پسر می‌بیند، همیشه سعی می‌کند پسر را جوری به خود وابسته نگه دارد که او هم در هیچ زمانی مادر را رها نکند و نیازهای روانی او را به حد کمال برآورده می‌کند و در اصطلاح ما روان‌شناسان، در سیستم غلط هم وابستگی رخ می‌دهد. بسیاری از این پسرها قادر نیستند کوچک‌ترین کار شخصی خود را انجام بدهند، زیرا مادر همه کارهای او را انجام می‌داده و او را اشباع کرده است. پسر طی این سیستم غلط رشد می‌کند و زمانی که می‌خواهد ازدواج کند سیستم به هم می‌خورد و آرامش مادر برهم زده می‌شود و شروع به سنگ انداختن در زندگی پسر و عروس می‌کند. سخن‌چینی عروس را نزد پسر می‌کند یا متاسفانه تا حدی پیش می‌رود که زندگی آنها را به مرز طلاق می‌رساند و به دلیل این‌که پسر هم مهارت لازم را برای حل مشکل و ایجاد تعادل در محبت به همسر و مادر نیاموخته، در نتیجه نمی‌تواند سیستم را بی‌خطر نگه دارد و توان زنی‌داری ندارد. افراد وابسته، مهارت‌های لازم را برای حل مشکلات ندارند و یاد نگرفته‌اند چگونه مدیریت کنند. پس از این‌که صاحب فرزند هم می‌شوند همواره از مادر صلاح و مشورت می‌خواهند و به سیستم قبلی خود چسبیده‌اند.؛

شوهر بچه‌ننه

اما مشکلات این جوانان بعد از ازدواج افزایش می‌یابد. 171#؛ زمانی که با همسر، رضا، آشنا شدم می‌دانستم که او رابطه خیلی نزدیکی با والدین خود دارد، اما نمی‌دانستم که حتی بعد از عروسی ما هم این نزدیکی این‌قدر زیاد باشد. والدین همسر، وقتی که پسر آنها سرانجام در چهل‌ودو سالگی ازدواج کرد، شوکه شدند. من و همسر رابطه صمیمی با یکدیگر داشتیم، اما مدتی از ماه عسل ما نمی‌گذشت که مادر شوهرم دخالت‌های خود را شروع کرد. همسر به من می‌گوید که تو ساده‌لوحانه رفتار می‌کنی، اما من از حرف‌هایی که مادرش می‌زند فهمیدم که او هر چیزی را که در منزلان می‌گذرد به مادرش می‌گوید. بعد که از او توضیح خواستم، همسرم اعتراف کرد که دعوایمان راهم با جزئیات با مادرش در میان می‌گذارد. مادر شوهرم هفته‌ای سه شب ما را برای شام دعوت می‌کند. اگر دعوت او را رد کنیم، خود او قابل‌به دست بلند می‌شود و به منزل ما می‌آید و می‌گوید، من با خودم فکر کردم شاید شما خسته‌اید که شام ببیزید و خودش هر کاری در آشپزخانه ما می‌کند. با وجود میل باطنی من، الان هفته‌ای دوبار باید شام را با آنها میل کنیم. همسر فقط دستپخت مادرش را می‌پسندد، گاهی مرا با مادرش مقایسه می‌کند و به من طعنه می‌زند. اگر بخواهد لباسی بخرد مادرش هم باید با ما برای خرید بیاید، چون سلیقه مادرش از نظر او حرف ندارد، دکوراسیون منزل ما با نظر مادر شوهرم چیده شده و....؛

همه اینها ذکر مصائب داشتن همسری است که به مادرش وابسته است، همان پسر کوچولویی که روزگاری وابستگی به مادرش شیرین بود، بعد از ازدواج می‌تواند تلخی یک زندگی مشترک را رقم بزند.

این توصیه‌ها را جدی بگیرید

دکتر غفرانی، روان‌شناس برای حل مشکل پسران و مادرانی که وابستگی زیادی به هم دارند، توصیه‌های متعددی دارد که آنها را در چند مرحله بیان کرده است: 171#؛ مرحله اول آماده‌سازی خود است. خودباوری برای ازدواج تا خودتان را نشناسید همسرتان شناخته نمی‌شود. نبی اکرم(ص) تأکید فرموده‌اند که حتماً با کفو خودتان ازدواج کنید (توصیه به حضرت زهرا؛ 171#؛ س؛). برای این‌که کفوتان را بشناسید باید بدانید که خودتان سمت و سویتان کجاست. تا جهت زندگی شما مشخص نباشد همسوی شما پیدا نمی‌شود. شما تحت تاثیر سخنان گویندگانی که در جامعه هستند، دنبال یک هدفی هستید؛ یعنی می‌خواهید به یک جایی برسید. زندگی هدف و انتها ندارد، زندگی یک طراوت، شور و نشاط پیوسته است. زندگی یعنی هر لحظه نوشدن و هر روز نوروز داشتن یعنی با حال بودن و لازم‌هاش فقط جهت‌دار بودن است و نه هدف‌دار. اگر چنین جهتی را در خود پیدا کنید، تشخیص همسو خیلی ساده است. در مرحله اول باید بدانید که مهم‌ترین ویژگی شما برای ازدواج چه باید باشد. (یا خصوصیت همسر چه باشد) و برای این باید خودتان را برایش آماده کنید. پس برای خودتان یک دوره بگذارید و آن خصوصیت‌ها را اولاً در خودتان پیدا کنید و ثانیاً آنها را در خودتان پیور کنید. آماده شوید برای جدا شدن از پدر و مادر.؛

اکنون بسیاری جوانان از ازدواج طفره می‌روند، چون انتظار دارند، همسرشان نیز بعد از ازدواج برایشان مادری کند، یعنی، لباسشان را

مرتب کند، غذا بپزد، نوازششان کند، نگرانیشان باشد و تمام وقتش را صرف همسر کند، درحالی که بسیاری از دختران چنین رویه‌ای را نمی‌پسندند. به همین دلیل انتخاب همسر برای پسران وابسته دشوار است.

علیرضا معینی، جوان سی‌وهفت ساله‌ای است که شش سال پیش ازدواج کرد در حالی که دوری از مادر برایش سخت بود، او می‌گوید: «#171؛هیچ دختری حاضر نمی‌شد با مادرشوه‌ر در یک خانه زندگی کند، از طرفی مادرم پیر بود و نمی‌توانست تنها باشد، نگرانیش بودم، او هم همین‌طور چون من تنها فرزندش هستم تا این که دختر مورد علاقه‌ام را پیدا کردم، چند ماهی کلنجار رفتیم تا به مادرم قضیه را بگویم، اما می‌ترسیدم تا این که دل به دریا زدم و از علاقه‌ام به همکلاسی‌ام گفتم، ابتدا شوکه شد، من سی ساله بودم و حق داشتم اما او باور نمی‌کرد، بهانه می‌گرفت و دلیل‌تراشی می‌کرد، گریه می‌کرد و... تا این که سرانجام قانع شد. این بار من بودم که نمی‌توانستم از او دل بکنم به همین دلیل در نزدیکی او خانه‌ای اجاره کردم تا هر روز به او سر بزنم.»

به گفته دکتر غفرانی، پسر باید بداند که پدر و مادر بعد از ازدواج واجب‌الاطاعه نیستند. عزیزند، محترمند، اما این‌گونه نیست که باید مطیع آنها باشد. باید یاد بگیرد که سرنوشت خودش را خودش بنویسد. خودش برای هر قسمت از این ازدواج برنامه داشته باشد، نظر داشته باشد، البته مشورت با بزرگ‌ترها فراموش نشود. به عقیده این روان‌شناس، مرحله دوم آماده ساختن والدین است. شاید بسیاری از شما خودتان را برای ازدواج آماده می‌بینید، اما پدر و مادر شما را آماده نمی‌بینند. هنوز می‌گویند شما بچه‌اید، هنوز اطمینان و قبول ندارند که شما می‌توانید زندگی بچرخانید و اداره کنید. خوب چگونه به آنها اعلام آمادگی کنیم. با زیرکی خاصی باید به پدر و مادر فهماند که آن ویژگی در من رخ داده است. وقتی ببینند که این ویژگی هست به شما اعتماد می‌کنند. پس باید به پدر و مادر نشان داد که ما می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم و ازدواج ما، فردا برای شما خفت، گرفتاری، آبروریزی و... نمی‌آورد. هیچ‌کس در دنیا در میان مخلوقات برای شما مهربان‌تر از پدر و مادر نیست. آنها نظرشان خیر است و خوشبختی شما را می‌خواهند، ولی نمی‌دانند شما آماده هستید یا نه.

اعظم کرامتی، مشاور خانواده هم می‌گوید: «#171؛برخی مادران ماه‌ها و بلکه سال‌ها پس از ازدواج پسرشان هنوز نمی‌توانند نگرانی‌شان را از وضع فرزندشان پنهان دارند و حتی گاهی نسبت به خوراک روزانه پسر نیز احساس نگرانی کرده و چنین خیال می‌کنند که عروس خانم نمی‌تواند غذای دلخواه پسرشان را تهیه کند. این گونه پندارها و حمایت‌های افراطی ناشی از آن، خود زمینه‌ساز پدیده‌ای بازخوردها، نگرش‌ها و رفتارهای نه‌چندان مطلوب نسبت به شخصیت عروس خانواده می‌شود.»

براساس نگاه این مشاور، مادرانی که پسر نوجوان دارند و احساس می‌کنند به او وابسته‌اند از همین حالا اقدام کنند و ریشه این وابستگی را بخشکانند و تصور نکنند فرزندشان هنوز کودک است. سعی کنند آینده‌اش را ببینند و برای روزهایی که در کنارش نیستند، دل بسوزانند و او را کم‌کم از خود دور کنند، این کار نه با دوری فیزیکی که با دادن مسئولیت‌هایی متناسب با سن نوجوان عملی می‌شود.

اما اگر فرزند پسر در سن ازدواج دارید

متخصصان خانواده درمانی عقیده دارند که ازدواج بهترین راه برای کاهش وابستگی مرضی بین مادر و فرزند است که برای هردو طرف مفید است، هرچند برخی پسران برای فرار از مسئولیت و پذیرش تعهد، وابستگی به مادر و پدر را بهانه می‌کنند، اما رفتن به مراکز مشاوره، تنظیم مناسبات رفتاری و ساماندهی آن با فرزند پسر در یک طیف زمانی چند ماهه می‌تواند او را برای ازدواج آماده کند. کرامتی به مادران پیشنهاد می‌کند: «#171؛به جای این که به قد و بالای فرزندتان نگاه کنید و از این که او به شما وابسته است، لذت ببرید به آینده‌اش فکر کنید، بنشینید و با او درباره آینده‌اش حرف بزنید، از او برای آینده برنامه بخواهید، بگویند برنامه‌هایش را بنویسد، از علاقه و این که آیا دختری را دوست دارد یا نه بپرسید. از همه مهم‌تر، به او اطمینان بدهید که ازدواج او برایتان یک رویای شیرین و خواستنی است.»

برخی مشاوران خانواده به دختران جوان نیز هشدار می‌دهند که در روابط پیش از ازدواج با همسر آینده و خانواده او به میزان وابستگی آنها دقت کنند، چون رفتار مرد بالغی که حتی بعد از ازدواج به مشورت با مادرش نیازمند است و نمی‌تواند بدون دانستن نظر مادر خود تصمیم بگیرد کمی ناامیدکننده به نظر می‌رسد. البته که احترام به نظر مادر و پدر ضروری است، ولی وقتی این احترام به صورت یک وابستگی و نیاز در آمده باشد می‌تواند نشانه اعتماد به نفس نداشتن یک مرد باشد. اگر مردی نتواند به تصمیمات خود اعتماد کند در جلب اعتماد همسر خود نیز موفق نخواهد بود. این افراد به دلیل این‌که از مستقل زندگی کردن می‌ترسند، مرتب از جمله «#171؛مادرم می‌گوید، مادرم معتقد است و...» استفاده می‌کنند. چنین رویه‌ای می‌تواند برای زندگی مستقل آسیب جدی داشته باشد.